



حدیث روز

امام سجاد علیه السلام :

لَا إِلَهَ إِلَّا أَتَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ فَلَيْمَ يَحْضُرَنِي فَلَمَ أَشْرُهُ، وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسْبَدَ إِلَيَّ فَلَمَ أَشْكُرُهُ، وَ مِنْ بَارِ خَدَائِلِهَا مِنْ أَزْ دِرْگَاهِ نَو عَنَدِرْ مِی‌خواهم اگر در حضور من به ستم‌دهدای ستم رسیده و من باریش نرسانده‌ام. و اگر به من نیکی و احسانی شده و من سپاسگزاری نکرده‌ام. و اگر بد کنده‌ای از من بی‌وزش خواسته و من بی‌وزش خواهی او را نپذیرفته‌ام.

نگاهی اجمالی به زندگی یکی از شاخص ترین

کار آفرینان استان اصفهان «مسعود صرامی»

غیر ممکن وجود ندارد!



کار آفرین : مسعود صرامی

به قلم شهزاد بهادری

در اوایل بهمن ماه، همچنان خبری از برف و باران نبود. آلودگی هوا بیاد می می‌کرد.خورشید آرام آرام پایین می‌رفت، سایه‌ها کشیده‌تر می‌شدند و نور گرم و ملایمی جا مانده از غروب آفتاب مانند این بود که می‌خواهد کوجها و خیابان‌های شهر را برای آرامش بخشیدن بعد از یک روز سخت کاری به آغوش بگیرد.

مردی سپیدپوش از ماشین مشکی رنگش پیاده شد و کم‌ی دورتر از بازارچه، کنار ترده‌های سبزرنگی که خاطرات کودکی‌اش را در آنجا جا گذاشته بود، ایستاد.

باد ملایمی در میان شاخه‌های تک درخت بید مجنون می‌پیچید. مرد عینکش را روی صورتش جابه‌جا کرد و با خود اندیشید: «کدام مجنون‌تر است؟ من یا این درخت که بی‌هراس، شاخه‌هایش را به باد سپرده‌ام»

قدم‌های استوارش او را به مغازه‌ای کوچک کشاند. پسرکی در حال مرتب کردن قفسه‌ها بود. مرد با لبخندی مهربان گفت: «سلام، یک بطری آب لطفاً.»

پسرک با کنجکاوِی به مرد نگاه کرد. مرد دوباره پرسید: «حاج آقا، چطورند؟»

پسرک سرش را به زیر انداخت و با لحنی غمزده گفت: «حاج آقا مدت‌هاست حالشان خوب نیست. من به جایشان به مغازه می‌ایم. اگر کاری دارید، به من بگویید.»

مرد سپیدپوش، لبخند مهربانش را حفظ کرد و گفت: «سلام مخصوص مرا به ایشان برسانید.» پسرک پرسید: «بگم کی سلام رسونده‌ام؟» مرد لحن‌های مکتد کرد. سپس آرام گفت: «بگو مسعود.»

از مغازه بیرون آمد و به سمت بازارچهٔ حاج آقا شجاع قدم برداشت؛ همان جایی که رد پای کودکی‌اش را می‌شناخت. هر بار که به اینجا می‌آمد، انگار جان تازه‌ای می‌گرفت. روبه‌روی سقاخانه‌ای کوچک و قدیمی ایستاد. کاشی‌های آبی‌رنگ سقاخانه هنوز زیر دوده‌ی شمع‌ها پیدا بودند.

اینجا جایی بود که اولین جرقه‌های تلاش در ذهنش زده شد؛ جایی که زندگی با همه تلاخی‌هایش برایش آغازی مملو از رنگین گمان‌های امید هدیه داشت.

«انسان‌های موفق خود را بیش از دیگران تغییر می‌دهند»

مسعود به یاد اوز روزی را که پدرش آسمانی شد. پنج سال بیشتر نداشت. یک هفته بعد از مراسم مادر با دیدن چهار پسر قد و نیم‌قد، اشک‌هایش را پاک کرد و با خود گفت: «وقتی برای گریه کردن ندارم.» چرا که خانه‌ی پدری و تمام آنچه از پدر باقی مانده بود، میان ورثه به رسم دیرینهٔ اچون غنیمت تقسیم شد. سهم مسعود از همه آن دارایی‌ها، تنها پنج هزار تومان بود که به دلیل خردسالی‌اش، در بانک سپه، سپرده کردند. با یادآوری این خاطرات، لبخند تلاخی روی صورتش نشست. با خود فکر کرد اگر آن روز ۵۰۰۰ تومان را به مردم می‌دادند شاید او کمتر برای امرار معاش مان آذیت می شد.۵۰۰ تومانی که بعد از ۶۵ سال هرگز نخواست سراغش برود!

اما مادر تسلیم نشد. او زن جوان اما قوی بود، لبخند مهربانش در میان خط‌هایی که روزگار بر صورت تکیده‌اش انداخته بود و او را زیباتر و دوست داشتنی‌تر می‌کرد. بزرگ کردن چهار پسر ق‌دونیم قد کار آسانی نبود و تنبیه نمی‌کرد اما همین که هالهٔ غم بر چشمانش می‌نشست برای پسرهای کالی بود که بفهمند خطا کرده‌اند. مادر هر کدام از فرزندان‌ش را به کاری مشغول کرد. و در یک عصر تابستان دست مسعود شش‌ساله را در دستان همسایه‌ای به نام آقاي «شماغی‌زاده» گذاشت، مردی که با شمع‌سازی و صابون‌سازی روزگار می‌گذراند. مادر با این پلانه که تابستان است و باید او سرگرم باشد، اولین گام را برای آشنا کردن دستان کوچک مسعود با «کار» برداشت. شاید آن روز هیچ‌کس نمی‌توانست تصور کند که دستان کوچک مسعود، روزی دستان یکی از بزرگ‌ترین کارآفرینان کشور خواهد شد. اما این اتفاق افتاد. او با تلاش بی‌وقفه و امیدی که از کودکی در دل داشت، از هیچ همه‌چیز ساخت؛ و هر بار پُلی بنا می‌کرد اما هیچ‌گاه برای منافعش پُلی نساخت و هیچ پُلی را برای خواسته‌های خود خراب نکرد و امروز نامش نه تنها در کشور، بلکه در مرزهای فراتر از خاورمیانه شنیده می‌شود.

خاطرات گذشته و امروز چون امواج خروشان اقیانوسی خود را به سکوت تنهایی وی می‌گویند.

مسعود لبخندی زد و با خود گفت: «زندگی همین است؛ تغییر قانون بقا ...»

برای ماندن باید سخت شد. پوست انداخت. و گرنه محکوم به فنا هستی.» سپس آرام به سمت سقاخانه و خانه دوران کودکی‌اش حرکت کرد جایی که ریشه‌هایش هنوز در آن زنده بودند.

شب به آرامی بر بازارچه قدیمی «حاج آقا شجاع»سایه انداخته بود. چراغ‌های کوچک مغازه‌ها در کنار نور ضعیف ماه، کوجه‌های باریک را چون ستارهٔ دنباله دار هالی به سمت خانه‌ها هدایت می‌کرد. مرد سپیدپوش، خیره به ترده‌های سبزرنگ سقاخانه، دست‌هایش را آرام روی آن‌ها گذاشت. ترده‌ها سرد بودند، احساس کرد قلبش در میان پنجه‌های آهنینی شقرده می‌شود. خاطرات سال‌های دور، درونش زبانه می‌کشید و تمام دوران کودکی‌ش چون نور فیلمی که بر دور تند می‌چرخد از ذهنش گذشت.

چشم‌هایش را بست و به روزگاری بازگشت که کودکی بیش نبود. روزهایی که پولی برای خرید شمع یا مواد اولیه نداشت. به کنل همین سقاخانه می‌آمد، منتظر می‌ماند تا شمع‌هایی که مردم برای حاجت‌هایشان روشن کرده

رئیس قوه قضاییه با اشاره به اهمیت کارآمدی و چابکی در نهاده‌ها گفت: هر دستگاهی، از جمله قوه قضاییه و بنیاد مستضعفان، باید ارزیابی جامعی از تناسب ساختار، نیروهای کمنی و کیفی و مأموریت‌های خود انجام دهد.

به نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، طی سخنانی در نشست با مدیران ارشد بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی اظهار کرد: یکی از مسائل در کشور ما موازی‌کاری‌هاست؛ در امور مختلفی در کشور بعضاً چند دستگاه و نهاد بعنوان متولی حضور دارند؛ حتی ممکن است بخش خصوصی نیز در آن امور، ورود و مداخلیت داشته باشد؛ در اینجا باید سازوکار مدونی داشته باشیم که با تعیین اولویت‌ها و ظرفیت‌های هر بخش، امور مشترک محوله را میان بخش‌های مختلف به گونه‌ای سامان دهد که با یکدیگر موازی‌کاری نداشته باشند؛ باید توجه داشت که اینگونه موازی‌کاری‌ها می‌کُرد و در کیسه‌ای می‌ریخت. همان‌ها را در کاسهٔ کوچکی در خانه دُوب می‌کرد، فتیله‌های تازه می‌گذاشت و دوباره شمع می‌ساخت، بیشتر آنها‌را به مردم محله یا مغازه‌ها می‌فروخت و با پولی که به دست می‌آورد، مواد اولیه بیشتری می‌خرید و اینگونه روزگار می‌گذراند.مسعود از آنها‌را به مردم محله یا مغازه‌ها می‌فروخت و با پولی که به دست می‌آورد، مواد اولیه بیشتری می‌خرید و اینگونه روزگار می‌گذراند.مسعود از همان دوران کودکی آموخت که «می‌توان بارها و بارها چون قنقوس از میان خاکسترهای آتش، جان گرفت و پرواز کرد»

در همان بازارچهٔ «حاج آقا شجاع» او اولین درس انسان بودن را با تک تکسولوپلایش یاد گرفت

انسان بودن را با تک تکسولوپلایش یاد گرفت و فهمید برای شجاع بودن به شمشیر و تبرکمان نیاز ندارد!

او هر شب در کنار این سقاخانه زمزمه‌های «شجاع» قدم برداشت؛ همان جایی که رد پای کودکی‌اش را می‌شناخت. هر بار که به اینجا می‌آمد، انگار جان تازه‌ای می‌گرفت. روبه‌روی سقاخانه‌ای کوچک و قدیمی ایستاد. کاشی‌های آبی‌رنگ سقاخانه هنوز زیر دوده‌ی شمع آرزوهای مردمش خاموش بودند.

اینجا جایی بود که اولین جرقه‌های تلاش در ذهنش زده شد؛ جایی که زندگی با همه تلاخی‌هایش برایش آغازی مملو از رنگین گمان‌های امید هدیه داشت.

مسعود به یاد اوز روزی را که پدرش آسمانی شد. پنج سال بیشتر نداشت. یک هفته بعد از مراسم مادر با دیدن چهار پسر قد و نیم‌قد، اشک‌هایش را پاک کرد و با خود گفت: «وقتی برای گریه کردن ندارم.» چرا که خانه‌ی پدری و تمام آنچه از پدر باقی مانده بود، میان ورثه به رسم دیرینهٔ اچون غنیمت تقسیم شد. سهم مسعود از همه آن دارایی‌ها، تنها پنج هزار تومان بود که به دلیل خردسالی‌اش، در بانک سپه، سپرده کردند. با یادآوری این خاطرات، لبخند تلاخی روی صورتش نشست. با خود فکر کرد اگر آن روز ۵۰۰۰ تومان را به مردم می‌دادند شاید او کمتر برای امرار معاش مان آذیت می شد.۵۰۰ تومانی که بعد از ۶۵ سال هرگز نخواست سراغش برود!

اما مادر تسلیم نشد. او زن جوان اما قوی بود، لبخند مهربانش در میان خط‌هایی که روزگار بر صورت تکیده‌اش انداخته بود و او را زیباتر و دوست داشتنی‌تر می‌کرد. بزرگ کردن چهار پسر ق‌دونیم قد کار آسانی نبود و تنبیه نمی‌کرد اما همین که هالهٔ غم بر چشمانش می‌نشست برای پسرهای کالی بود که بفهمند خطا کرده‌اند. مادر هر کدام از فرزندان‌ش را به کاری مشغول کرد. و در یک عصر تابستان دست مسعود شش‌ساله را در دستان همسایه‌ای به نام آقاي «شماغی‌زاده» گذاشت، مردی که با شمع‌سازی و صابون‌سازی روزگار می‌گذراند. مادر با این پلانه که تابستان است و باید او سرگرم باشد، اولین گام را برای آشنا کردن دستان کوچک مسعود با «کار» برداشت. شاید آن روز هیچ‌کس نمی‌توانست تصور کند که دستان کوچک مسعود، روزی دستان یکی از بزرگ‌ترین کارآفرینان کشور خواهد شد. اما این اتفاق افتاد. او با تلاش بی‌وقفه و امیدی که از کودکی در دل داشت، از هیچ همه‌چیز ساخت؛ و هر بار پُلی بنا می‌کرد اما هیچ‌گاه برای منافعش پُلی نساخت و هیچ پُلی را برای خواسته‌های خود خراب نکرد و امروز نامش نه تنها در کشور، بلکه در مرزهای فراتر از خاورمیانه شنیده می‌شود.

خاطرات گذشته و امروز چون امواج خروشان اقیانوسی خود را به سکوت تنهایی وی می‌گویند.

مسعود لبخندی زد و با خود گفت: «زندگی همین است؛ تغییر قانون بقا ...»

برای ماندن باید سخت شد. پوست انداخت. و گرنه محکوم به فنا هستی.» سپس آرام به سمت سقاخانه و خانه دوران کودکی‌اش حرکت کرد جایی که ریشه‌هایش هنوز در آن زنده بودند.

شب به آرامی بر بازارچه قدیمی «حاج آقا شجاع»سایه انداخته بود. چراغ‌های کوچک مغازه‌ها در کنار نور ضعیف ماه، کوجه‌های باریک را چون ستارهٔ دنباله دار هالی به سمت خانه‌ها هدایت می‌کرد. مرد سپیدپوش، خیره به ترده‌های سبزرنگ سقاخانه، دست‌هایش را آرام روی آن‌ها گذاشت. ترده‌ها سرد بودند، احساس کرد قلبش در میان پنجه‌های آهنینی شقرده می‌شود. خاطرات سال‌های دور، درونش زبانه می‌کشید و تمام دوران کودکی‌ش چون نور فیلمی که بر دور تند می‌چرخد از ذهنش گذشت.

چشم‌هایش را بست و به روزگاری بازگشت که کودکی بیش نبود. روزهایی که پولی برای خرید شمع یا مواد اولیه نداشت. به کنل همین سقاخانه می‌آمد، منتظر می‌ماند تا شمع‌هایی که مردم برای حاجت‌هایشان روشن کرده

مسعود به یاد اوز روزی را که پدرش آسمانی شد. پنج سال بیشتر نداشت. یک هفته بعد از مراسم مادر با دیدن چهار پسر قد و نیم‌قد، اشک‌هایش را پاک کرد و با خود گفت: «وقتی برای گریه کردن ندارم.» چرا که خانه‌ی پدری و تمام آنچه از پدر باقی مانده بود، میان ورثه به رسم دیرینهٔ اچون غنیمت تقسیم شد. سهم مسعود از همه آن دارایی‌ها، تنها پنج هزار تومان بود که به دلیل خردسالی‌اش، در بانک سپه، سپرده کردند. با یادآوری این خاطرات، لبخند تلاخی روی صورتش نشست. با خود فکر کرد اگر آن روز ۵۰۰۰ تومان را به مردم می‌دادند شاید او کمتر برای امرار معاش مان آذیت می شد.۵۰۰ تومانی که بعد از ۶۵ سال هرگز نخواست سراغش برود!

اما مادر تسلیم نشد. او زن جوان اما قوی بود، لبخند مهربانش در میان خط‌هایی که روزگار بر صورت تکیده‌اش انداخته بود و او را زیباتر و دوست داشتنی‌تر می‌کرد. بزرگ کردن چهار پسر ق‌دونیم قد کار آسانی نبود و تنبیه نمی‌کرد اما همین که هالهٔ غم بر چشمانش می‌نشست برای پسرهای کالی بود که بفهمند خطا کرده‌اند. مادر هر کدام از فرزندان‌ش را به کاری مشغول کرد. و در یک عصر تابستان دست مسعود شش‌ساله را در دستان همسایه‌ای به نام آقاي «شماغی‌زاده» گذاشت، مردی که با شمع‌سازی و صابون‌سازی روزگار می‌گذراند. مادر با این پلانه که تابستان است و باید او سرگرم باشد، اولین گام را برای آشنا کردن دستان کوچک مسعود با «کار» برداشت. شاید آن روز هیچ‌کس نمی‌توانست تصور کند که دستان کوچک مسعود، روزی دستان یکی از بزرگ‌ترین کارآفرینان کشور خواهد شد. اما این اتفاق افتاد. او با تلاش بی‌وقفه و امیدی که از کودکی در دل داشت، از هیچ همه‌چیز ساخت؛ و هر بار پُلی بنا می‌کرد اما هیچ‌گاه برای منافعش پُلی نساخت و هیچ پُلی را برای خواسته‌های خود خراب نکرد و امروز نامش نه تنها در کشور، بلکه در مرزهای فراتر از خاورمیانه شنیده می‌شود.

مسعود به یاد اوز روزی را که پدرش آسمانی شد. پنج سال بیشتر نداشت. یک هفته بعد از مراسم مادر با دیدن چهار پسر قد و نیم‌قد، اشک‌هایش را پاک کرد و با خود گفت: «وقتی برای گریه کردن ندارم.» چرا که خانه‌ی پدری و تمام آنچه از پدر باقی مانده بود، میان ورثه به رسم دیرینهٔ اچون غنیمت تقسیم شد. سهم مسعود از همه آن دارایی‌ها، تنها پنج هزار تومان بود که به دلیل خردسالی‌اش، در بانک سپه، سپرده کردند. با یادآوری این خاطرات، لبخند تلاخی روی صورتش نشست. با خود فکر کرد اگر آن روز ۵۰۰۰ تومان را به مردم می‌دادند شاید او کمتر برای امرار معاش مان آذیت می شد.۵۰۰ تومانی که بعد از ۶۵ سال هرگز نخواست سراغش برود!

اما مادر تسلیم نشد. او زن جوان اما قوی بود، لبخند مهربانش در میان خط‌هایی که روزگار بر صورت تکیده‌اش انداخته بود و او را زیباتر و دوست داشتنی‌تر می‌کرد. بزرگ کردن چهار پسر ق‌دونیم قد کار آسانی نبود و تنبیه نمی‌کرد اما همین که هالهٔ غم بر چشمانش می‌نشست برای پسرهای کالی بود که بفهمند خطا کرده‌اند. مادر هر کدام از فرزندان‌ش را به کاری مشغول کرد. و در یک عصر تابستان دست مسعود شش‌ساله را در دستان همسایه‌ای به نام آقاي «شماغی‌زاده» گذاشت، مردی که با شمع‌سازی و صابون‌سازی روزگار می‌گذراند. مادر با این پلانه که تابستان است و باید او سرگرم باشد، اولین گام را برای آشنا کردن دستان کوچک مسعود با «کار» برداشت. شاید آن روز هیچ‌کس نمی‌توانست تصور کند که دستان کوچک مسعود، روزی دستان یکی از بزرگ‌ترین کارآفرینان کشور خواهد شد. اما این اتفاق افتاد. او با تلاش بی‌وقفه و امیدی که از کودکی در دل داشت، از هیچ همه‌چیز ساخت؛ و هر بار پُلی بنا می‌کرد اما هیچ‌گاه برای منافعش پُلی نساخت و هیچ پُلی را برای خواسته‌های خود خراب نکرد و امروز نامش نه تنها در کشور، بلکه در مرزهای فراتر از خاورمیانه شنیده می‌شود.

مسعود به یاد اوز روزی را که پدرش آسمانی شد. پنج سال بیشتر نداشت. یک هفته بعد از مراسم مادر با دیدن چهار پسر قد و نیم‌قد، اشک‌هایش را پاک کرد و با خود گفت: «وقتی برای گریه کردن ندارم.» چرا که خانه‌ی پدری و تمام آنچه از پدر باقی مانده بود، میان ورثه به رسم دیرینهٔ اچون غنیمت تقسیم شد. سهم مسعود از همه آن دارایی‌ها، تنها پنج هزار تومان بود که به دلیل خردسالی‌اش، در بانک سپه، سپرده کردند. با یادآوری این خاطرات، لبخند تلاخی روی صورتش نشست. با خود فکر کرد اگر آن روز ۵۰۰۰ تومان را به مردم می‌دادند شاید او کمتر برای امرار معاش مان آذیت می شد.۵۰۰ تومانی که بعد از ۶۵ سال هرگز نخواست سراغش برود!

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری راه روشن

مدیر روابط عمومی: سید علی ساداتی نژاد

خبرنگار: فاطمه بصیرتی

طراح و صفحه آرایی : علی دشتی منفرد ، حمید رضا کلیایی

آدرس: کاشان-بلوار باهنر-کوی شهید متقی- پلاک ۵۴- مجتمع راه روشن

مدیر مسئول: دکتر سید محمد ساداتی نژاد

دبیرسیاسی: احسان جعفری فر

مدیر بازرگانی: شیوا قزوینه

دبیر فرهنگی : محمد مهدی سعیدی

امور چاپ: چاپخانه شاخه

روابط عمومی: ۰۹۱۳۶۱۸۰۹۸

اژه‌ای: هر نهاد باید ساختار و مأموریت‌های خود را ارزیابی کند



به واسطه مسائل جناحی و سیاسی در امر انتصاب‌ها عمل می‌کنیم. خوشبختانه در بنیاد مستضعفان تاکنون از مدیران توانمندی استفاده شده است و این مدیران کاملاً با مسائل و ماموریت‌های اقتصادی و اجتماعی بنیاد آشنایی داشته‌اند، در بنیاد مستضعفان شاهد حضور مدیرانی بوده‌ایم که از قدرت تصمیم گیری، خط‌پذیری و جسارت در تصمیم گیری برخوردار بوده‌اند؛ اینها از جمله خصایص مهم مدیریتی است که باید در زیر مجموعه‌ها نیز تکثیر شود.

رئیس دستگاه قضا: دولت نباید رقیب مردم باشد

رئیس عدلیه گفت: کارآمدی و چابکی نیز از جمله شاخصه‌های مهم در هر دستگاه و کیفی و مأموریت‌های‌شان تناسب وجود دارد یا خیر؟ چند سالی است که در سیاست‌ها و برنامه‌های کشور مدام مطرح می‌شود که دولت باید کوچک و چابک شود و تصدی‌گری آن کاهش یابد و بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی در امور اقتصادی و سایر امور رقیب مردم نباشند؛ حال باید پرسید آیا این



استانداران به عنوان رؤسای ستادهای اجرایی مورد پیگیری و رفع نواقص قرار خواهند گرفت.

دبیر ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر افزود، پیش‌بینی می‌شود با توجه به افزایش هزینه‌های حمل و نقل هوایی، ریلی و کسری ناوگان جاده‌ای، تمرکز سفرهای موطئان با خودرو انجام شود و این موضوع توجه بیش از پیش به مدیریت مصرف سوخت و نیز تلاش برای کاهش حوادث و تلفات جاده‌ای را می‌طلبد. فاطمی گفت: با توجه به پیش‌بینی افزایش سفرها با خودروی شخصی، توجه بیش از پیش تمام دستگاه‌های خدمت‌رسان به کمپین ۲۰-۶۰ الزامی خواهد بود. این کمپین که به معنای بروز بیش از ۶۰ درصد حوادث و تصادف‌ها در ۲۰ کیلومتری مبادی ورودی شهرها است، می‌تواند با همکاری

همچنین با تاکید بر لزوم اطلاع‌رسانی فوری و به‌موقع به هموطنان درباره روند سفرها و الزامات آن در تقارن با ماه رمضان یادآور شد: تمرکز بر امر آگاهی‌سازی در خصوص روند مدیریت آن روزها در رأس امور اجرایی دستگاه‌های عضو از جمله صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت. فاطمی با بیان اینکه پیش‌بینی می‌شود حجم غلب سفرهای ماه جاری و تعطیلات ماه رمضان ۱۴۰۴ به سوی استان‌های جنوبی کشور باشد، افزود: پایش تعطیلات اخیر که به دلیل برودت و آلودگی هوا رخ داد، چالش‌ها و نقاط قوت استان‌های جنوبی را در زمینه‌های اقامت، پذیرایی، حمل و نقل و نیز مدیریت ازدحام مسافران را مشخص کرده است که بررسی و ارتقاء وضعیت موجود مناطق مورد نظر در تعطیلات پیش‌رو با جدیت از سوی

استانداران به عنوان رؤسای ستادهای اجرایی مورد پیگیری و رفع نواقص قرار خواهند گرفت. دبیر ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر افزود، پیش‌بینی می‌شود با توجه به افزایش هزینه‌های حمل و نقل هوایی، ریلی و کسری ناوگان جاده‌ای، تمرکز سفرهای موطئان با خودرو انجام شود و این موضوع توجه بیش از پیش به مدیریت مصرف سوخت و نیز تلاش برای کاهش حوادث و تلفات جاده‌ای را می‌طلبد. فاطمی گفت: با توجه به پیش‌بینی افزایش سفرها با خودروی شخصی، توجه بیش از پیش تمام دستگاه‌های خدمت‌رسان به کمپین ۲۰-۶۰ الزامی خواهد بود. این کمپین که به معنای بروز بیش از ۶۰ درصد حوادث و تصادف‌ها در ۲۰ کیلومتری مبادی ورودی شهرها است، می‌تواند با همکاری

استانداران به عنوان رؤسای ستادهای اجرایی مورد پیگیری و رفع نواقص قرار خواهند گرفت. دبیر ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر افزود، پیش‌بینی می‌شود با توجه به افزایش هزینه‌های حمل و نقل هوایی، ریلی و کسری ناوگان جاده‌ای، تمرکز سفرهای موطئان با خودرو انجام شود و این موضوع توجه بیش از پیش به مدیریت مصرف سوخت و نیز تلاش برای کاهش حوادث و تلفات جاده‌ای را می‌طلبد. فاطمی گفت: با توجه به پیش‌بینی افزایش سفرها با خودروی شخصی، توجه بیش از پیش تمام دستگاه‌های خدمت‌رسان به کمپین ۲۰-۶۰ الزامی خواهد بود. این کمپین که به معنای بروز بیش از ۶۰ درصد حوادث و تصادف‌ها در ۲۰ کیلومتری مبادی ورودی شهرها است، می‌تواند با همکاری

استانداران به عنوان رؤسای ستادهای اجرایی مورد پیگیری و رفع نواقص قرار خواهند گرفت. دبیر ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر افزود، پیش‌بینی می‌شود با توجه به افزایش هزینه‌های حمل و نقل هوایی، ریلی و کسری ناوگان جاده‌ای، تمرکز سفرهای موطئان با خودرو انجام شود و این موضوع توجه بیش از پیش به مدیریت مصرف سوخت و نیز تلاش برای کاهش حوادث و تلفات جاده‌ای را می‌طلبد. فاطمی گفت: با توجه به پیش‌بینی افزایش سفرها با خودروی شخصی، توجه بیش از پیش تمام دستگاه‌های خدمت‌رسان به کمپین ۲۰-۶۰ الزامی خواهد بود. این کمپین که به معنای بروز بیش از ۶۰ درصد حوادث و تصادف‌ها در ۲۰ کیلومتری مبادی ورودی شهرها است، می‌تواند با همکاری

استانداران به عنوان رؤسای ستادهای اجرایی مورد پیگیری و رفع نواقص قرار خواهند گرفت. دبیر ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر افزود، پیش‌بینی می‌شود با توجه به افزایش هزینه‌های حمل و نقل هوایی، ریلی و کسری ناوگان جاده‌ای، تمرکز سفرهای موطئان با خودرو انجام شود و این موضوع توجه بیش از پیش به مدیریت مصرف سوخت و نیز تلاش برای کاهش حوادث و تلفات جاده‌ای را می‌طلبد. فاطمی گفت: با توجه به پیش‌بینی افزایش سفرها با خودروی شخصی، توجه بیش از پیش تمام دستگاه‌های خدمت‌رسان به کمپین ۲۰-۶۰ الزامی خواهد بود. این کمپین که به معنای بروز بیش از ۶۰ درصد حوادث و تصادف‌ها در ۲۰ کیلومتری مبادی ورودی شهرها است، می‌تواند با همکاری

سر‌دبیر: محمد ادریسی

دبیر پژوهشی: مجتبی خندان

دبیر فرهنگی : محمد مهدی سعیدی

امور چاپ: چاپخانه شاخه

روابط عمومی: ۰۹۱۳۶۱۸۰۹۸

دفاع کنیم و ابعاد مختلف آن را تبیین کنیم.

رئیس دستگاه قضا بیان کرد: یکی از مشکلات ما در کشور آن است که بعضاً معرُوب فضا‌سازی‌ها می‌شویم؛ حال آنکه ما باید با برنامه‌ریزی متقن و اقدامات تخصصی، امور را طرح‌ریزی کنیم و طراحی پیاده شده را با قدرت اجرایی سازیم و در این مسیر از فضا‌سازی‌ها نهراسیم و به واسطه فضا‌سازی‌ها از اجرای برنامه مدون و عالمانه طراحی‌شده عقب نشینی نکنیم.

رئیس عدلیه تصریح کرد: ما پیش از این، قاضی مستقر در بنیاد مستضعفان داشتیم، اکنون نیز اعلام آمادگی می‌کنیم که در چارچوب موازین قانونی، برای پیشبرد امور بنیاد در راستای منافع کشور و مردم، شعب تخصصی قضایی مرتبط با امور بنیاد ایجاد کنیم. قاضی‌القضات خاطرنشان کرد: همه نهاده‌ا و دستگاه‌های کشور از جمله بنیاد مستضعفان باید از معاونت حقوقی قدرتمندی برخوردار باشند تا در مراعاتات و دعاوی قضایی، با اتقان و استحکام از حقوق دستگاه و نهاد متبوع خود دفاع کنند.

رئیس قوه قضاییه در پایان گفت: از اقدامات بنیاد مستضعفان در حوزه مسئولیت‌هایی که داره، چه در حوزه‌های اقتصادی و چه در حوزه‌های اجتماعی، قدرانی می‌کنیم و امید داریم این نهاد انقلابی در پیشبرد امور و وظایف محوله توفیقات روزافزون داشته باشد.

در این نشست، حسین دهقان رئیس بنیاد مستضعفان با تبریک اعیاد ماه مبارک ربیع و تسلیت شهادت حجج السلام و السلمین رازنی و مقبسه، با ارائه گزارشی از فعالیت‌های بنیاد مستضعفان، اهم اقدامات این بنیاد در حوزه‌های اقتصادی و مأموریت اصلی آن که توانمندسازی معرمان و آبدانی و پیشرفت مناطق محروم است را تشریح کرد.

دهقان در این نشست با اشاره به اینکه خروجی کار این بنیاد تحت پوشش قرار دادن دهک‌های یک تا ۵ و محرومان کشور است گفت: به مأموریت ما تاکید شده است که بنیاد مستضعفان نباید یک بنگاه خیریه باشد و باید از کمک‌های موردی و پائیدار خودداری کرده و به سمت توسعه الگوهای اثرگذار ملی حرکت کنیم.

پیش‌بینی‌هایی درباره سفرهای زمستان و نوروز جنوب باز هم شلوغ می‌شود

دستگاه‌های خدمت‌رسان با برپایی چادرها و مراکز سیار پذیرایی، آمادگی، ارائه اطلاعات و ... سبب ایجاد انگیزه توقف در مسافران و در نتیجه کاهش حادثه‌های احتمالی شوند. دبیر ستاد مرکزی هماهنگی خدمت سفر اظهار کرد: این اقدام به همراه شناسایی و مدیریت نقاط حادثه‌خیز نقش مؤثری در کنترل و کاهش اثرات منفی از‌دیداد سفرهای جاده‌ای خواهد داشت.

او همچنین مدیریت زمانی و مکانی سفرهای نوروزی را نیز راهکاری دیگر برای کاهش تلفات سفرهای جاده‌ای عنوان کرد و گفت: دبیرخانه ستاد سفر که در محل معاونت گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی مستقر است به صورت مستمر با معرفی استان‌های جایگزین، شهرهای مکمل و تشریح شرایط جوی غالب و وضعیت حجم سفرها اقدام به توزیع مکانی و زمانی سفرهای هموطنان خواهد کرد.

در این نشست اعضای حاضر از سایر دستگاه‌های اجرایی عضو ستاد مرکزی از جمله وزارت راه و شهرسازی، وزارت کشور، اورژانس، فراجا، سازمان تعزیرات حکومتی، هلال احمر، شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی، سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، شرکت فرودگاه‌های کشور، سازمان بنادر و دریانوردی، سازمان هواشناسی، سازمان هواپیمایی کشور، راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، کانون جهانگردی و اتوتوبیواری، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران به بیان نظرات و امور اجرایی و تخصصی مربوطه پرداختند و نسبت به ایجاد وحدت رویه و آمادگی کامل نسبت به ارائه خدمات به هموطنان در ایام پیک سفرهای پیش رو اعلام آمادگی کردند.

بررسی جزئیات حقوق قانونی عیدی و پاداش کارگران



اشتغال، از حق دریافت عیدی و پاداش پایان سال برخوردار هستند.

این حقوقدان بر اهمیت آگاهی بخشی در این زمینه تأکید کرد و افزود: آگاهی از قوانین و حقوق کارگری می‌تواند از تنبیع حقوق جلوگیری کند. او همچنین مسئولیت اجتماعی کارفرمایان و تعهد آن‌ها به اجرای عدالت را از عوامل اساسی در تحقق این حقوق برشمرد.

قاسم‌کردی در پایان گفت: اگر قوانین به درستی اجرا شوند و کارفرمایان و نهادهای نظارتی مسئولیت خود را جدی بگیرند، می‌توان امیدوار بود که دغدغه‌های جامعه کارگری در این حوزه کاهش یابد.